



## آیین‌های تولد و دوران کودکی در فرهنگ عامه گندل کیلان بروجرد

فاطمه غلامی

### زایمان

در ایام گذشته مادر بزرگ یا «ننه دویی» به معنای مادر دایی، قبل از زایمان به خانه دختر خود می‌رفت تا به او در مراحل زایمان کمک کند. در این هنگام اگر تولد نوزاد به تأخیر می‌افتاد، یک نفر با صدای بلند پشت در اتاق، اذان می‌گفت و خانمی هم بر بالین زائو سوره الرحمن قرائت می‌کرد.

### سیسمونی

در بعضی از مناطق بروجرد، تهیه سیسمونی بر عهده پدر نوزاد است. او وظیفه دارد مایحتاج کودکش را در طی هفت روز بعد از تولد فراهم کند.

### شو هفت

به مناسبت هفتمین روز از تولد نوزاد، در بروجرد و مناطق اطراف آن جشنی برپا می‌شود. در این مراسم ضمن شستشوی نوزاد، از دوستان و آشنایان دعوت به عمل می‌آید تا (در این شب) در خانه پدر کودک به شادمانی بپردازند. آنان نیز با هدایایی به جشن شب هفتم می‌روند. در روستای گندل کیلان، اگر کودک متولد شده پسر باشد، از مهمان‌ها با آش رشته پذیرایی می‌شود و اگر دختر باشد، صاحب‌خانه، آش دوغ و عدس پلو تهیه می‌کند.

### نامگذاری کودک

بعد از تولد نوزاد، یکی از بزرگان و افراد باایمان فامیل در گوش کودک اذان و اقامه می‌خواند و تا هفت روز نوزاد را با نام محمد یا فاطمه صدا می‌کردند. پس از این مدت پدر بزرگ و مادر بزرگ پدری و مادری از قرآن مجید نام دائمی کودک را مشخص می‌نمودند.

در گذشته یکی از مراسمی که بعضی از بروجردی‌ها در شب هفتم برگزار می‌کردند، اصطلاحاً «پَمَلِ پَر» نام

۱. روستای گندل کیلان: در محل، «گندل گیران» و «گزل گیلو» نیز تلفظ می‌شود.

## چله بُری

همین که چهل روز از تولد کودک می‌گذرد، عده‌ای از خویشان و اهالی نزدیک، نزد مادر نوزاد می‌آیند تا او و فرزندش را به حمام ببرند.

بعد از استحمام، مادر و نوزادش را به محل مناسبی هدایت می‌کنند و بر سر آنان آب را همراه با چهل عدد جو، گندم و سنگریزه که در یک کاسه چهل کلید قرار دارد، می‌ریزند و برایشان دعا می‌خوانند.

این مراسم نیز چون نشانه‌های مخصوص دختر و پسر بودن نوزاد در مواقع خاصی برگزار می‌شود، به طوری که اگر کودک پسر بود، مراسم چله بُری در همان روز چهل انجام می‌شود و اگر دختر بود، در روز بیستم برگزار می‌گردد.

## دنوروا (دندان درآوردن)

غذای مخصوص دندان درآوردن نوزاد «دنوروا» نام دارد. بانوان بروجردی برای تهیه این غذا، ظرفی در دست می‌گیرند و مواد آن را، از آشنایان جمع‌آوری می‌کنند. در این آش دندونی، انواع حبوبات از قبیل: نخود، جو، عدس، لوبیا قرمز، لوبیا سفید و همین‌طور گندم استفاده می‌شود. دنوروا معمولاً در بین کسانی که در تهیه آن سهمی داشته‌اند تقسیم می‌شود.

## لالایی

لالایی‌ها از جمله آوازهایی هستند که اقوام مختلف آنها را می‌خوانند. این شعرها معمولاً قافیه و ردیف ندارد و برگرفته از ذهن مردم در خوشی‌ها و ناخوشی‌هاست. لالایی‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

در گذشته با رؤیت تصویر اسب همراه با سوار و فردی که افسار اسب را در دست داشت، متوجه می‌شدند که اهل خانه صاحب اولاد پسر شده است و از طرفی به جایگاه اجتماعی کودک نیز پی می‌بردند.

داشت. در این آیین (که البته خطرناک هم بود و همیشه با احتیاط فراوان برگزار می‌شد)، سر تا پای نوزاد را با دقت به وسیله پنبه می‌پوشاندند و یکی از افراد حاضر پنبه را می‌سوزاند و دوده حاصل از آن را به بخش‌هایی از پیشانی، دست و پای کودک می‌مالید تا به اعتقاد بعضی از گذشتگان، کودک آینده خوبی داشته باشد!

## جنسیت نوزاد (نشانه‌ها)

مردم ساکن در روستای گندل کیلان، در گذشته، از راه‌های مختلفی به جنسیت نوزاد پی می‌بردند و در این باره نیازی به پرسش و پاسخ از اطرافیان کودک نبود. به طوری که با رؤیت تصویر اسب همراه با سوار و فردی که افسار اسب را در دست داشت، متوجه می‌شدند که اهل خانه صاحب اولاد پسر شده است و از طرفی به جایگاه اجتماعی کودک نیز پی می‌بردند. همین نشانه‌ها در سایر روستاهای استان لرستان به صورت رنگ کردن دور مچ دست نوزاد و یا قراردادن تیر و کمان در بالای سر او حکایت از پسر بودن نوزاد بود و در مواقع دیگر سرمه کشیدن به چشمان کودک، بیانگر دختر بودن او بود.

- لالایی‌هایی که مادر برای آرام کردن نوزاد و آرامش دل خود به زبان می‌آورد.

- لالایی‌هایی که در غم دوری عزیززی خواننده می‌شود.

- لالایی‌هایی که به هنگام شادی اجرا می‌شود.

- لالایی‌هایی که در سوگ عزیز از دست‌رفته بر

زبان جاری می‌شود.

لالا لالا لالا لایی

گل سرخ و سفیدم لالا لایی

بخواب ای کودکم لالا لایی

بابا رفته به ده بالا لالا لایی

لالا لالا ای یاسن خوشبو

نکن گریه که من می‌میرم از غم

عزیز و خوشگلم لالا بکن تو

بابات گفته که من میام به خونه

بابا رفته سفر خدا به همراهش

تا شب میاد به خونه لالا لایی

\*\*\*

لالا کنم ایواز وقتی

گوار بسم گل درختی

برگردان: لالایی می‌خوانم برایت دم غروب،

گهواره‌ات را به شاخه درختی بسته‌ام.

لالالا کنم تا ماه در آید

هر گلی رنگ خوش ز کوه در آید

برگردان: لالالا بخوانم تا ماه در بیاید، هر گلی به

رنگ خودش از دل کوه بیرون بیاید.

لالالا کنم تا راه ثامن

نیادار تو بای امام ضامن



برگردان: لالالا کنم تا راه مشهد امام رضا(ع)،

نگهدار تو باشد امام رضا ضامن آهو.

لالالا کنم و خوئت کنم م

علی علی گویم و بیارت کنم م

برگردان: لالالا کنم و خوابت کنم من، علی علی

گویم و بیدارت کنم من.

لالالا گل پیون

بابات رفت و رود خون

برگردان: لالالا گل پونه، بابات رفته به رودخانه.